

رئیس - بفرمائید
 حاج میرزا علی محمد - اینکه آقای
 باب می فرمایند این دو نفر باید
 اختیار مالک باشد البته متوجه این
 مسئله هستند که مالک يك نفر هیئت
 در هر دهی که میزی کنند اگر انتخاب
 نفر را با اختیار مالک معین کنند عملی
 است
 زیرا با این ترتیب این که ۵ نفر در
 هیئت يك هیئت ۳ نفری خواهد بود و
 کار ممکن نیست بگذرد ولی در قسمت
 دوم که مالک تقاضای میزی میکند البته
 دو نفر را باید انتخاب کند که با میل
 مالک مطابقت کند و برای ۵ نفر ضمیمه
 بود و اگر آن دو نفر را اول مالک انتخاب
 کرده باشد آن وقت ملاحظه می فرمائید
 اکثریت با مالک می شود زیرا دو نفر از
 اهل محل هستند و دو نفر هم که بمیل
 و انتخاب می شوند و روی هم از هفت
 نفر چهار نفر طرفدار مالک خواهند
 بود

ارباب کیخسرو - بنده اینطور
 عرض کردم
رئیس - آقای سالار معظم
 (اجازه)
سالار معظم - بنده می خواستم
 این نکته را عرض کنم که در صورت
 تجدید میزی باید اعضاء هیئت تجدید
 شوند زیرا اگر همان اعضاء اولیه باشند
 فایده ندارد

ثانیا باید يك مرجعی برای شکایات
 مالکین معین کرد زیرا ممکن است در هر
 صورت اعمال غرض شود
اقبال السلطان - این طور که
 آقای سالار معظم می فرمایند دولت باید
 يك هیئت صد هزار نفری برای میزی
 معین کند که هر گاه مالکین شکایت
 کردند هیئت را تغییر بدهند این همه
 جمعیت در اداره میزی دولت نیست که
 فوراً هیئت را تغییر بدهند و بهترین طریق
 برای تجدید میزی همین است که آقای
 دولت آبادی اظهار کردند زیرا وقتی دو نفر
 اهل خیره و دو نفر دیگر را بمیل مالک
 انتخاب کردند اکثریت با مالک می شود
 نه با دولت

رئیس - ماده هفدهم قرائت می
 شود.
 (شرح ذیل قرائت شد)
ماده هفدهم - هر محلی که
 مطابق مقررات این قانون میزی شده و
 نتیجه آن بوقوع اجرا گذارده شود از
 مالیات سر شمار و سر بازی و خانواری
 و یا دارانه و امثال آن و هم چنین هر گونه
 مالیات دیگر که جدا گانه بقصوب مجلس
 شورایی نرسیده باشد بهر اسم و رسم
 معاف خواهد بود
رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - در این قسمت که
 نوشته شده است (هر محلی که مطابق
 مقررات این قانون میزی شده و نتیجه آن
 بوقوع اجرا گذارده شود) بنده تعجب می
 کنم زیرا مگر ممکن است میزی شود
 ولی بوقوع اجرا گذارده نشود ؟ و همین
 عبارتی که نوشته شده است (هر محلی که
 میزی شد) کفایت می کند و جمله بوقوع
 اجراء گذارده شود لازم نیست زیرا این
 قسمت يك اختیار وسیعی بدولت می دهد
 مثل این که هر جا را میل ندارد بوقوع اجرا
 بگذارد نگذارد !! و اگر مقصود این باشد
 که شاید از طرف دولت یا از طرف مالک
 تقاضای تجدید میزی بشود و این قسمت
 راجع بآن مطلب است لازم است واضعتر
 بنویسند که بآن قسمت مربوط باشد نه این
 که این قانون را در محلی که بنظر دولت
 می رسد و صلاح بدانند بوقوع اجرا بگذارد
 و اگر صلاح ندانست بوقوع اجرا نگذارد
 و در قسمت دیگر هم که مسئله موقوف شدن
 مالیات سر باز گیری را نوشته اند بنده نمی
 دانم در مقابل این مالیات که موقوف می
 شود چه صورتی برقرار شده است زیرا
 تقریب این قانون می گذرد و شروع به
 میزی می کنند و هنوز قانونی برای سر باز
 گیری نگذشته است این است که سؤال می
 کنم از برای این مسئله چه فکری
 کرده اند؟

اقبال السلطان - قانون سر باز گیری
 بقصوب مجلس مقدس رسیده و همان قانون
 را بوقوع اجرا خواهند گذارد.

رئیس - آقای گازرانی
 (اجازه)

آقا میرزا علی گازرانی - عرض
 بنده در این قسمت است کمی گویند و هر
 گونه مالیات دیگری که جدا گانه بقصوب
 مجلس شورای ملی نرسیده باشد مهر اسم و
 رسم معاف خواهد بود این همچو نشان می
 دهد که اگر میزی نشده باشد این مالیات
 هائی که بقصوب مجلس نرسیده قابل اخذ
 است در صورتی که مالیات بهر اسم و رسم
 که باشد اگر بقصوب مجلس شورای ملی
 نرسیده باشد اهم از این که میزی بکنند
 یا نکنند قابل اجرا نیست بنده نمی دانم
 در این عبارت چه در نظر گرفته اند.

اقبال السلطان - بنده تعجب می کنم
 که باقیود توضیح هم شما مخالفت می
 کنید !!

آقا میرزا علی گازرانی - ماشاءالله
 حظ کردم واقعا چه قدر منطقی
 بود !!

رئیس - آقای سلطان العلماء
 (اجازه)
جمعی گفتند مذاکرات کفایت
 است.

سلطان العلماء - فعلا عرضی
 ندارم .
رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد
 دولت آبادی .

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - اگر آقایان
 مذاکرات را کافی می دانند بنده عرضی
 ندارم .

رئیس - مذاکرات کافی است
 یا خیر ؟

(جمعی گفتند کافی است)
رئیس - پیشنهاد قرائت می شود
 (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده هفدهم به
 ترتیب ذیل نوشته شود .

هر محل و موردی که مطابق مقررات
 این قانون میزی شد بوقوع اجرا گذارده
 می شود و از مالیات سر شمار و سر بازی و
 خانواری و یادارانه و سایر مالیات های مستقیم
 و همچنین هر گونه مالیات دیگر که جدا گانه
 بقصوب مجلس شورای ملی نرسیده باشد
 بهر اسم و رسم معاف خواهد بود .
 (مدرس)

بنده پیشنهاد می کنم از ماده هفدهم
 قانون میزی مالیات این جمله حذف (و نتیجه
 آن بوقوع اجرا گذارده شود)
 (ارباب کیخسرو)

رئیس - بقیه مذاکرات بجلسه
 دیگر موکول می شود جلسه آینده فردا سه
 ساعت و نیم قبل از ظهر و دستور اول لایحه
 راجع بکنترت معلمین مدرسه حقوق

یک نفر از نمایندگان - هنوز از
 کمیسیون نگذشته

رئیس - اگر ایرادی دارید بعد
 بفرمائید ثانیاً لایحه تقاضای وجه برای ساختمان
 کمرک در دوزاب ثالثاً لایحه ۷۵ کمیسیون
 بودجه راجع بچند فقره حقوق تقاعدی
 آقای حاج شیخ اسدالله
 (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - راجع به
 کنترت معلمین مدرسه حقوق گمان میکنم
 تا راپرت کمیسیون بودجه داده نشود تصور
 نمی کنم موقعی برای مذاکره باشد زیرا
 فقط کمیسیون خارجه راجع بملیت راپورت
 داده و باید کمیسیون بودجه را راجع بحقوق
 و شرایطشان يك نظریاتی اتخاذ کند ولی
 هنوز در کمیسیون بودجه این کار خانمه
 پیدا نکرده و گمان نمی کنم از طرف کمیسیون
 راپورت داده شده باشد

رئیس - بسیار خوب دو فقره دیگر
 جزء دستور می شود . آقای متمد السلطنه
 (اجازه)

متمد السلطنه - بنده تقاضا
 می کنم لایحه مستمریات جزو دستور
 شود .

(بعضی گفتند صحیح است)

رئیس - لایحه مستمریات هم جزء
 دستور می شود . آقای حاج میرزا علی
 محمد دولت آبادی
 (اجازه)

حاج میرزا علی محمد - هنوز
 کتابچه مستمریات طبع و توزیع نشده که
 ما بتوانیم از روی بصیرت در آن لایحه
 مذاکره کنیم سابقاً هم بنده تقاضا کرده
 بودم کتابچه مستمریات که فعلا موجود است
 طبع و توزیع بشود فعلا بنده گمان نمیکنم
 تقاضای آقایان مورد داشته باشد

رئیس - آقای ارباب کیخسرو
 (اجازه)

ارباب کیخسرو - عرض بنده هم
 راجع بمستمریات بود و این که آقای حاج
 میرزا علی محمد می فرمایند طبع و توزیع شود
 بنده تصور می کنم مقصود کمیسیون
 بودجه این بوده است که يك اصلی اتخاذ
 شود زیرا طبع اقلام مستمریات خرجش زیاد
 است و هیچ لزومی ندارد

رئیس - آقای نصرت الدوله
 (اجازه)

نصرت الدوله - لازم است این
 جا يك توضیحی داده شود که مورد شبهه
 واقع نشود اصلا کتابچه مستمریات جدیدی
 نیست که طبع و توزیع بشود کتابچه مستمریات
 مقطوعات قوی ثبت است که چاپ هم شده
 همه جاهست .

رئیس - رای می گیریم که جزو
 دستور بشود یا نه آقایان که تصویب می کنند
 جزو دستور بشود قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)

رئیس - جزو دستور شد
 (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)
 مؤتمن الملک

جلسه ۱۴۲
 صورت مشروح مجلس یوم چهارشنبه
 پنجم صفر ۱۳۴۱ مطابق چهارم میزان
 ۱۳۰۱

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر
 بریاست آقای مؤتمن الملک
 تشکیل گردید)

صورت مجلس یوم سه شنبه سوم میزان
 را آقای امیر ناصر قرائت نمودند
رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد
 دولت آبادی .

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - در جلسه
 گذشته آقای ارباب کیخسرو دو اعتراض
 فرمودند یکی آنکه آن دو نفر خبره محلی
 که جزو هیئت میزه هستند در دفعه اول
 آنها را مالک انتخاب کند و همچنین راجع
 بقسمت دوم یعنی در موقع تجدید میزی
 و بنده راجع بقسمت اول عرض کردم اگر
 بنا باشد آن دو نفر را مالک انتخاب کند آن
 وقت باید در هر فرقه دو نفر برضایت مالک
 انتخاب شود و این مسئله عملی نیست راجع

بنده تعجب می کنم که باقیود توضیح هم شما مخالفت می
 کنید !!

آقا میرزا علی گازرانی - ماشاءالله
 حظ کردم واقعا چه قدر منطقی
 بود !!

رئیس - آقای سلطان العلماء
 (اجازه)
جمعی گفتند مذاکرات کفایت
 است.

سلطان العلماء - فعلا عرضی
 ندارم .
رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد
 دولت آبادی .

(اجازه)
حاج میرزا علی محمد - اگر آقایان
 مذاکرات را کافی می دانند بنده عرضی
 ندارم .
رئیس - مذاکرات کافی است
 یا خیر ؟
 (جمعی گفتند کافی است)
رئیس - پیشنهاد قرائت می شود
 (شرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می کنم ماده هفدهم به
 ترتیب ذیل نوشته شود .
 هر محل و موردی که مطابق مقررات
 این قانون میزی شد بوقوع اجرا گذارده
 می شود و از مالیات سر شمار و سر بازی و
 خانواری و یادارانه و سایر مالیات های مستقیم
 و همچنین هر گونه مالیات دیگر که جدا گانه
 بقصوب مجلس شورای ملی نرسیده باشد
 بهر اسم و رسم معاف خواهد بود .
 (مدرس)
 بنده پیشنهاد می کنم از ماده هفدهم
 قانون میزی مالیات این جمله حذف (و نتیجه
 آن بوقوع اجرا گذارده شود)
 (ارباب کیخسرو)
رئیس - بقیه مذاکرات بجلسه
 دیگر موکول می شود جلسه آینده فردا سه
 ساعت و نیم قبل از ظهر و دستور اول لایحه
 راجع بکنترت معلمین مدرسه حقوق
یک نفر از نمایندگان - هنوز از
 کمیسیون نگذشته
رئیس - اگر ایرادی دارید بعد
 بفرمائید ثانیاً لایحه تقاضای وجه برای ساختمان
 کمرک در دوزاب ثالثاً لایحه ۷۵ کمیسیون
 بودجه راجع بچند فقره حقوق تقاعدی
 آقای حاج شیخ اسدالله
 (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - راجع به
 کنترت معلمین مدرسه حقوق گمان میکنم
 تا راپرت کمیسیون بودجه داده نشود تصور
 نمی کنم موقعی برای مذاکره باشد زیرا
 فقط کمیسیون خارجه راجع بملیت راپورت
 داده و باید کمیسیون بودجه را راجع بحقوق
 و شرایطشان يك نظریاتی اتخاذ کند ولی
 هنوز در کمیسیون بودجه این کار خانمه
 پیدا نکرده و گمان نمی کنم از طرف کمیسیون
 راپورت داده شده باشد

بقسمت دوم هم مرض کردم بصرفه مالک تمام می شود زیرا اکثریت با مالک میشود و بکلی مقصود بنده را برخلاف نوشته اند رئیس - اصلاح می شود.

اقبال السلطان

دو روز در موقی که آقای سالار معظم اظهار کردند خوب است در موقی تجدید میزبانی بیست میزین هوس شوند گمان می کنم بنده اشتباهاً گفتم اگر اینطور بشود صد هزار نفر میزبانی لازم است و آن هزارش زیاد است و در لفظ اشتباه شده هوس صد هزار نفر گفته ام .

رئیس - آقای مدرس . (اجازه)

مدرس - در ماده شانزدهم که هیئت میزین را متعرض است بنده پیشنهادی کرده بودم و اسمی از آن برده نشده است

رئیس - چون آن پیشنهاد فرائت نشد باین جهت اسم برده نشده . آقای ارباب کپسور .

ارباب کپسور - راجع با اعتراض بنده که آقای دولت آبادی اظهار نمودندم

یورش هم دیروز و هم امروز اشتباه فرمودند . بنده هیچوقت نگفتم دو نفر خبره معنی را در موقی میزبانی اول و همچنین دونفر دوم را در موقی تجدید میزبانی مالک انتخاب کند که چهار نفر از طرف مالک انتخاب

شده مقصود این بود همان دونفر که در موقی تجدید میزبانی باید مالک انتخاب کند

از اول حق بدهند مالک انتخاب کند و اگر دولت مقصود است حتماً پنج نفر را خودش

انتخاب کند دونفر هم بر هیئت میزین در دفعه اول بیفزایند و آن دو نفر از طرف مالکین انتخاب شوند . مقصود این بود

که چهار نفر از طرف مالکین انتخاب شوند رئیس - اینهم اصلاح می شود دیگر

ایرادی نیست ؟ (اطهاری نشد)

رئیس - صورت جلسه باین سه فقره اصلاح تصویب شد .

رایرت صحت بیون بودجه راجع به ساختمان گمرک دزدان مطرح است

(رایرت مزبور را آقای منتصر الملک بترتیب ذیل قرائت نمودند)

کمیسیون بودجه لایحه ۱۳۷۴ دولت راجع بلزوم تأسیس بنای مختصر

گمرکی در سرحد دزدان تحت مطالعه و دقت در آورده ماده واحده پیشنهادی دولت

را تصدیق و برای تصویب مجلس شورای ملی ذیلا عرض و پیشنهاد می نماید .

ماده واحده - برای محصور نمودن مقداری از اراضی دزدان جهت تأسیس دفاتر گمرکی و ساختمان بنای موقی برای

اقامت مأمورین گمرکی آنجا مبلغ چهار هزار تومان اعتبار بوزارت مالیه داده میشود . (فیروز)

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده موافقم و پس از يك مخالفتم عرض را عرض می کنم .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله . (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده هم موافقم رئیس - آقای آقا سید فاضل موافقت یا مخالف ؟

آقا سید فاضل - موافقم . رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

چاپور ؟ حاج میرزا مرتضی - بنده هم موافقم

رئیس آقای حاجی میرزا علی محمد دولت بادی

حاج میرزا علی محمد بنده رئیس بفرمائید

حاج میرزا علی محمد بنده نمی دانم مقصود از نوشتن این لفظ موقی در اینجا چیست در صورتی که چهار هزار تومان در آن جا خرج می کنند دیگر این لفظ معنی ندارد و عقیده من اینست که حذف شود

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

محمد هاشم میرزا - اولاً چون بطور قطع معلوم نیست چقدر خرج ساختن

این بنا می شود و این چهار هزار تومان اعتبار است و چون جای مهمی است لازم است در آنجا جانی ساخته شود و این چهار

هزار تومان هم خرجی نیست که آقایان بگویند برای ساختن بنائی در آنجا زیاد است

چون خیلی جای مهمی است باید این بنا ساخته شود و مخارج آن درست معلوم نیست نوشته شده است موقی این يك جهت دیگر هم این است که چون سرحد در سیر جاده است و حالا خط آهن از آن

جا تجاوز کرده و بسر آب آمده و چهار مالالتجاره خود را عجاتاً با ماشین بزد

آب می آورند و اگر بنا بشود آن خط را جمع کنند مجدداً گمرک بسیر جاده می رود باین ملاحظه نوشته شده است موقتا

رئیس آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - چنانچه شاه زاده محمد هاشم میرزا فرمودند سرحد

در سیر جاده است و با این حال بنای

گمرک را در دزدان بنده لازم نمی دانم و باید این عمارت ز سرحد ساخته شود اولاً با ساختن این بنا در دزدان

مخالفم . ثانیاً با سامی موقی مخالف موقی بناشد درست در آنجا بنائی بسازد دیگر موقی و غیر موقی یعنی چه ؟ بنا بر این بنده بکلی

مخالفم رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله . (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - همانطور که شاهزاده محمد هاشم میرزا توضیح دادند

این عمارت بجهت گمرک ساخته می شود بودن گمرک در دزدان موقی است . زیرا چون خط آهن تا دزدان آمده عجاتاً مالالتجاره مردم بآنجا می آید و نمی شود

مالالتجاره تجار در بیان بمانند و باید يك انبار برای ضبط مالالتجاره ها و یکجائی برای اعضاء گمرک ساخته شود که بتوانند

در آن بنشینند و مالالتجاره ها را گمرک کنند تا ترتیب صحیحی بجهت گمرک سرحد و خط آهن داده شود و این هم چندان چیز مهمی نیست که این همه قابل گفتگو باشد

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرانی - بنده با اصل بنا موافقم . لیکن خوب بود آقای وزیر

تشریف داشتند رئیس - من تصور کردم مخالفید

حالا که موافقت باید بکنید از يك مخالف صحبت کنید اگر مخالفید اظهار کنید

آقا میرزا علی کازرانی - حالا هم راجع بمحل اعتراض داشتیم و عرض می کنم در همه جا معمول است و گمرک را در سرحد

قرار می دهند مخصوصاً گمرک نشان سرحد است که در هر کجا گمرک باشد همه این اشکال

سرحد می دانند و کلمه موقی هم این اشکال را بر طرف نمی کند که ما بگوئیم چون بنا موقی است ساخته می شود سرحد بیست

فرسخ عقب تراست و باید آقای وزیر مالیه تشریف بیاورند و توضیح بدهند که چرا عمارت گمرک را در سرحد نمی سازند و این جا بنا می کنند که ما با اطمینان خاطر

بتوانیم رأی بدیم و تا توضیح داده نشود بنده نمی توانم موافقت کنم رئیس - آقای آقا سید فاضل

آقا سید فاضل - آنچه معلوم می شود این هرگز مرکز خیلی مهمی است و تا اندازه

گمرک بشمارا شکسته است زیرا اجناس کما سابقاً ببتداد و کراچی و بصره می آمد

صغرا گذارد بملاوه دزدان کم کم کم خواهد شد و اگر هم مجدداً گمرک کما سابقاً بسرحد برود این ساختمان بجهت حکومت و سایر مأمورین دولت لازم است و حالا هم بجهت آسایش اعضاء گمرک و حاملین مالالتجاره ساختن این بنا لازم است و باید بدولت اعتبار داد که این بنا را بسازد که مالالتجاره ها محفوظ و هم اعضاء گمرک آسوده باشند

رئیس - آقای آقا میرزا ابراهیم قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده معتقد نیستم چهار هزار تومان خرج يك گمرک موقی بشود آنهم در يك محلی که پس از رفتن گمرک بسرحد بکلی بی نتیجه بماند

و عقیده بنده بنای گمرک در هر جا و هر سرحد است باید ساخته شود و اگر حتماً میبخواهند

دزدان بسازند ممکن است باین یک قیمت کمتری يك جای کوچککی بسازند باین

خانه ای را اجاره کنند بملاوه غالباً دیدیم این قبیل مخارج که تصویب می شود درست

در خرج آن ابداً نظارت نمی کنند . مثل چارو که در همین چند فرسخی واقع است و یازده هزار تومان تصویب کردیم و سه

هزار تومان بیشتر خرج نکردند منظور می توانیم مطمئن باشیم در دزدان که صفا

دو بیست فرسخ تا این جا مسافت دارد این پول درست خرج بنامی شود ؟ و دولت چگونه می تواند نظارت کند ؟

رئیس - حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - چون دزدان جای خیلی مهمی است و چندی است در آنجا شروع بساختن عمارت نموده اند و در وقت

ممکن است تمام جاهای مرغوب آنجا بجهت ساختن خانه و عمارت بخرند و محل خوبی برای ساختن گمرک در آنجا باقی نماند بملاوه

چنانچه در لایحه هم نوشته شده این چهار هزار تومان فقط برای کشیدن چهار دیوار

و ساختن بنطاق می باشد این که بخواهند عمارت صحیحی در آنجا بسازند اولا چهار

هزار تومان مخارج دارد . این بنا فقط بجهت رفع احتیاج است و من عقیده دارم چون باید

گمرک در سرحد ساخته شود عبارت لایحه طوری اصلاح شود که با اسم بنای گمرکی نباشد و ممکن است لفظ گمرک برداشته شود

ساختن این بنا در دزدان بی فایده است رئیس - آقای معنی العلماء (اجازه)

معنی العلماء - بنده خیلی تعجب می کنم مامه می دانیم سرحد بیست فرسخ دورتر از دزدان است چنانچه آقای میرزا

سید حسن خان هم گفته و همه مامه می دانیم این چهار هزار تومان برای ساختن عمارت

کافی نیست و اقلاً چهار هزار تومان خرج دارد و آقایان هم کرا را فرمودند تصویب این چهار

هزار تومان برای این است که جائی ساخته شود که مالالتجاره تجار در صحرا و بیخه

نشود باین حال باز مخالفت می فرمایند و عقیده بنده این یک چیزی نیست که ایراد داشته باشد .

رئیس - مذاکرات درین موضوع کافی است ؟ (جمعی گفتند کافی نیست

بعضی اظهار نمودند کافی است) رئیس - رأی می گیریم بیکافی نبودن مذاکرات .

آقایانی که مذاکرات را در این موضوع کافی می دانند قیام فرمایند . (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - معلوم می شود کافی نیست آقای سلیمان میرزا مخالفند ؟

سلیمان میرزا - بلی . رئیس - بفرمائید .

سلیمان میرزا - آقایان موافقین بعضی اینطور می فرمایند که چهار هزار تومان وجه

قابل نیست که يك بنائی بجهت گمرک ساخته شود .

بعضی می فرمایند اراضی از دستمان می رود بعضی ها ازمالالتجاره صحبت می فرمایند

بعضی ها از مرغوب بودن محل صحبت می فرمایند ما داریم تصدیق می کنیم که

بیست فرسخ یا دوازده فرسخ اراضی مملکت خودمان را از دست بدیم .

اگر بنا بود در زمان فترت این خط آهن را تا کرمان می کشیدند ما بایستی بگوئیم گمرک در کرمان ساخته شود چرا

که تا این خط آهن آمده !!! این موضوع غریبی است بنده در این

مسئله که چهار هزار تومان مبلغ معتناهی است یا نیست و این مخارج موقی یا دائمی

است حرفی ندارم . بلی اگر بخواهند با چهار هزار تومان

آقایان هم کرا را فرمودند تصویب این چهار هزار تومان برای این است که جائی ساخته

شود که مالالتجاره تجار در صحرا و بیخه نشود باین حال باز مخالفت می فرمایند و عقیده بنده این یک چیزی نیست که ایراد داشته باشد .

رئیس - مذاکرات درین موضوع کافی است ؟ (جمعی گفتند کافی نیست

بعضی اظهار نمودند کافی است) رئیس - رأی می گیریم بیکافی نبودن مذاکرات .

آقایانی که مذاکرات را در این موضوع کافی می دانند قیام فرمایند . (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - معلوم می شود کافی نیست آقای سلیمان میرزا مخالفند ؟

سلیمان میرزا - بلی . رئیس - بفرمائید .

سلیمان میرزا - آقایان موافقین بعضی اینطور می فرمایند که چهار هزار تومان وجه

قابل نیست که يك بنائی بجهت گمرک ساخته شود .

بعضی می فرمایند اراضی از دستمان می رود بعضی ها ازمالالتجاره صحبت می فرمایند

بعضی ها از مرغوب بودن محل صحبت می فرمایند ما داریم تصدیق می کنیم که

بیست فرسخ یا دوازده فرسخ اراضی مملکت خودمان را از دست بدیم .

ی پیشنهاد ما بشویم . رئیس - چون پیشنهاد ایشان راجع

بستور است بر سایر مذاکرات مقدم است . پیشنهاد آقای مدرس شرح ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد می کنم مذاکره در رایرت کمیسیون بودجه راجع بنائی گمرک

دزدان بماند تا آقای وزیر مالیه برای توضیح حاضر شوند .

رئیس - خطاب با آقای مدرس توضیحی دارید بفرمائید .

مدرس - توضیح این مسئله واضح است و انصافاً این مسئله محل نظر است

باید آقای وزیر بیاید و نظریات خود را در این باب اظهار کنند بعد داخل در

مذاکره آن بشویم . رئیس - رأی می گیریم . آقایانی

که پیشنهاد آقای مدرس را قابل توجهی دانند قیام فرمایند . (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده . رایرت ۷۵ کسب و چون بودجه مطرح است .

(شرح آتی قرائت شد) خبر از کمیسیون بودجه بمجلس شورای ملی

کمیسیون بودجه لوایح دولت را راجع بفراری حقوق مفسله بعنوان شهری

تحت مطالعه وقت در آورده ماده واحده ذیل را برای تصویب مجلس شورای ملی

پیشنهاد می نماید . ماده واحده . مجلس شورای ملی تصویب می نماید که وزارت مالیه مبلغ

سیصد و هشتاد و هشت تومان و یک قران شهری در باره اشخاصی که ذیلاً ذکر و در مقابل

هر يك مقدار حقوق آنها مقرر است همه ماهه پرداخت نماید .

تأمونی که شوهر اختیار نکرده و دو نفر طفل صغیر ناسن ۱۸ سالگی بالسوبه يك

صدران (۱۰۰) قران محسن خان پسر مصطفی خان پیشخدمت وزارت مالیه ناسن

۲۱ سالگی (چهل قران) (۴۰ قران) میرزا مهدی استشاردی معلم سابق مدرسه

سیاسی (بواسطه هات مزاج) یا صد قران (۵۰۰ قران) دختر شاهزاده علی خان

(علیه و عاقره) پنجاه قران یکمبیل و دو دختر مرحوم شاهزاده علی خان

تا زمانی که شوهر اختیار نکرده اند بالسوبه صد و پنجاه قران (۱۰۰ قران) عیال و صیابای نایب حسین ۳۰۰ قران عیال مادام

العیوه دوفر صیابای (امیرخان) مادام که شوهر اختیار نکرده اند بالسوبه صد و پنجاه

قران (۱۰۰ قران) عیال مرحوم مدیر السلطان تا موقی که شوهر اختیار نکرده اند ۳۰۰

قران . دونفر اولاد ذکور مدیر السلطان تا سن ۲۱ سالگی هر يك ۱۰ تومان سیصد

قران و درته میرزا علی خان سوراونیه یکسکاله از فرار ماهی ۱۴۰ قران و درته علی قلی

میرزا آژان یکسکاله از فرار ماهی ۱۴۰ قران و درته حسن بك آژان یکسکاله از فرار

ماهی ۹۰ قران و درته ابوالفتح بيك آژان یکسکاله از فرار ماهی ۹۰ قران و درته حسن بيك آژان

قاسم خان آژان مدت ۳ سال از فرار ماهی ۹۰ قران و درته بی بی خان آژان ۳ ماهه از فرار

ماهی ۱۸۰ قران و درته عباس آژان یکسکاله از فرار ماهی ۹۰ قران و درته صدراعظم عالی

نفر (سهیك) نفر از ورثه صدرالعمالی کفوت کرده به سایر ورثه منتقل می شود (۵۰ قران

رئیس - آقای معنی العلماء اجازه

اینجا هم چهل هزار تومان دیگر تصویب کنیم بنده مخالفم و مخالفتم را از اینجا که هستم بنام عالم بیروانم
سهم السلطان منتهی کمیسیون بودجه - چنانچه خود آقای محقق الملما هم اظهار داشتند بعضی اعتراضی که در ادارات مشغول خدمت هستند و پس از مدتی خدمت بواسطه بیبری یا عالت مزاج یا فقر ورته آن ها دولت موظف است با آنها کمک و مساعدت نماید . و چنانچه در این لایحه ملاحظه فرمائید می بیند اشخاصی که در این لایحه نوشته شده تمام اشخاصی هستند که مدتها در ادارات دولتی اربقیل مالیه و نظایه و غیره مشغول خدمت بوده اند و بواسطه اینکه یا خود آنها پیر و هلیل شده اند یا ورته آنها مستأصل و پریشان شده اند دولت باید کمک های نقدی درباره آنها بنماید ولی باید از شهریه های که بدون جهت بشخص داده می شود جلوگیری نمود ولی دولت باید از خود و اهل و عیال اشخاصی که در راه دولت خدمت نموده اند و زحمت کشیده اند نگاهداری بنماید . قانون استخدام هم در شرح تمام شدن است و البته وقتی قانون استخدام گذشت ترتیب حقوق تقاضای مرتب خواهد شد اما تا وقتی که آن قانون نگذشته دولت مجبور است برای اشخاصی که خدمت کرده اند حقوق جزئی معین می نماید و بنده هم گمان نمی کنم این اشخاص که در این جا نوشته شده و باید حقوق بگیرند اشخاصی باشند که بدون جهت بآنها حقوقی داده بشود بنابراین البته باید چیزی برای آنها تصویب نمود در ماده اول هم یک نقص عبارتی موجود است و بایستی اضافه شود یعنی بمدار کلمه مقدار کلمه (ومدت) باید اضافه شود زیرا اغلب این شهریه ها در مدت های مختلفه بایست پرداخت شود و بایست مدت و مقدار حقوق هر دو معلوم باشد
رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)
حائری زاده - بعضی از اسامی که در این لایحه می بینم سابقا کمیسیون بودجه راجع بآنها رایزنی مخصوص تهیه کرده بود و جدیداً در جزو این رایزنی مغلوط با یک عده کور و شل نموده اند بعضی ها هم اسامیشان در همان کتابچه شهریه بوده و حالا نمی دانم آن قانون شهریه در باره آنها مجری است و ثانیاً این شهریه ها برقرار می شود یا خیر؟ بملاوه بنده نمی فهمم بر قراری شهریه در باره این اشخاص از نقطه نظر عاجز بودن آنها است یا اینکه مستخدم دولت بوده اند ؟ اگر از نقطه نظر استخدام دولت است که یکی دو ماه دیگر قانون استخدام از مجلس می گذرد و مطابق آن قانون در باره این اشخاص هم حقوق تقاضا برقرار خواهد شد و اگر از نقطه نظر عاجز و بیچارگی آنها است که گمان می کنم در این شهر دارالجزیه باشد زیرا بنده بعد از حکومت آقا سید

ضیاءالدین که این شهر وارد شد هم جزو فقرا کمتر در خیابانها دیده می شدند و خوب است دولت حقوق دارالجزیه را کاملاً بپردازد و زیاد کند و این اشخاص را هم در آنجا جمع نمایند و باین ترتیب از عده فقرا بکهند سهم السلطان - این اشخاصی که در این لایحه درباره آنها شهریه برقرار شده هیچکدام در کتابچه شهریه صاحب حقوق نبوده اند حائری زاده - عیال و اولاد نایب حسین کاشی در جزو کتابچه شهریه بوده سهم السلطان - نایب حسین زن و بچه متهم در این اشخاص آنها نیستند...
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)
حاج میرزا عبدالوهاب - گرچه صحبت موافقت و مخالفین متصل تکرار می شود لکن بنده عرض میکنم با مایل داریم یا نداریم ۱۰ اگر حقیقتاً پول داریم چاره روز معلم و اداراتمان از بی پولی اعتراض میکنند و در پیش خانه و دارالجزیه تعطیل می شود و اگر پول نداریم این ارباب چه چست کهر روز بجمع می آید .
بقول آقای حائری زاده این همه فقرا در کوچه ها ریخته اند و در هر خیابانی چند خانوار بی خرچی افتاده اند . در روز دیگر زمستان میرسد و اینها تلف می شوند خوب است اگر پول هست این اشخاص را نگاهداری نمایند و از این شهریه هائی که هر روز من غیر حق بجمع می آید جلو گیری نمایند
رئیس - آقای دستمقیب (اجازه)
حاج سید محمد باقر دستمقیب - خوب بود آقایان این مخالفتها و اظهارات را در موقعی که بودجه مجلس می آید در باره اشخاصی که یا نقد تومان هفتصد تومان حقوق میبرند بفرمائید . بودجه وزارت فوائد همه که آمد بجمع آقایان مخالفت نکردند ولی راجع به حقوق جزئی فلان فقیر مخالفت می کنند .
اما راجع باین رایزنی بنده بنده نمی شود اساساً بآن مخالفت نمود بهمان منطقی که آقای محقق الملما مخالف نموده بنده بهمان دلیل اظهار موافقت می نمایم . ایشان فرمودند چهل هزار تومان تصویب کرده ایم حالا هم باید چهل هزار تومان دیگر تصویب کنیم بنده عرض میکنم این لایحه چهل هزار تومان فقط (۳۸۵) تومان است بملاوه پس از آنکه ما آن چهل هزار تومان را تصویب کردیم برای این ۳۸۵ تومان چرا ایتمه وقت مجلس باید صرف شود و حال اینکه دقایق مجلس خیلی بیش از اینها ارزش دارد گذشته از تمام اینها باید دید فلسفه شهریه دادن باینان چیست؟ فلسفه شهریه دادن اگر ضعیف یا عاجز باشد معلوم است دولت در تمام دنیا مجبور است از ضمیمه و فقرا دستگیری کند منتهی باندازه نوه و استطاعت خود خصوصاً فقیری که بیست و هشت سال جزو مستخدمین

دولت بوده و برای ملت خدمت کرده است و حالا که یک دختر فقیری دارد نباید گفت برو در دارالجزیه که در آنجا یک مشت مرد هست و نامحرم هست زندگی کن این عبارت عبارت غریب است! همینطور نسبت بمیال نایب حسین که دولت کلیه اموالش را ضبط کاری ندارم .
در هر صورت یک مدت مدیدی زندگانی کرده است و حالا نمی شود گفت در دارالجزیه برود و البته نباید از ما می بیست تومان در حق آنها مضایقه نمود
بنابراین خوب است قلم بقم خوانده شود و زودتر رأی داده شود .
رئیس - آقای کازرانی (اجازه)
آقا میرزا علی کازرانی - این مسئله مسلم است که مخالفت مخالفین راجع به حقوق سه ماهه و شش ماهه ورته آزان و فراش و غیره نیست زیرا اینها عیال و ورته یکمده بیچاره و بدبخت هستند لکن همه می دانیم کاسم کردن این اشخاص با ابتهاج السلطنه ها یک فتح بابی است که نمی شود قبول نمود و مخالفت مالز این جهت است که من بدمی لایحه مستوری و شهریه و حقوق تقاضای غیره است که بعنوان مختلفه بجمع خواهد آمد . آقایان می فرمایند این اشخاص فقرا هستند و باید با آنها همراهی کرد . بنده عرض می کنم و دولت تصمیم نگرفته است که بقرا اطعام بکند و خزانه را صرف امور خیریه نماید در صورتی که یک عده فقرائی هستند که بشکل حیوانات دوماه و سه ماه زندگانی می کنند و هلف صحرا می خورند و بدم شهر برمی گردند و تمام هستی آنها را ما مورین دولت بظارت میبرند در این صورت در تحت چه عنوان شهریه بهت خواران می دهند ؟ اگر بشل و بغشش و بغشش بکنند ولی ما که چیزی نداریم و برای یک مقدار جزئی پول منابع و ثروت خودمان را رهن و همه چیز خودمان را در مخاطره می اندازیم تا یک امر از ما ش بنمائیم من نمی دانم هر روز یک لایحه خرج و هر روز یک لایحه و هر روز یک لایحه مستوری شهریه حقوق تقاضای و غیره که در مجلس مطرح می شود علتش چیست ؟ و البته این ملت بدبخت این پولها را برای این مخارج نمی دهند من از خدا می ترسم که این حرف را می زنم . من موافق مبل و ازاده ملت حرف میزنم من وکیل ملت هستم اگر چه همه وکیل ملت اند من خودم نیستم باقی نیستم من تا مدتی که بروی این صندوق نشستم از طرف ملت و بپیل و ازاده ملت حرف می زنم شما اگر گمان می کنید که ملت از این حرفها راضی است مراجعه بافکار عامه نمایند فردا کتابچه مقفودالتر مستوری بجمع خواهد آمد و ما نمی توانیم اصلاً آن مخارج را بشناسیم و نمی توانیم تصویب نمائیم
رئیس - لایحه مستوری جزو دستور است است آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا - عرایض بنده گفته شده است .
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - آقای کازرانی می فرمایند باید مطابق مبل و ازاده ملت رفتار کرد بنده عرض می کنم همان قسم که ایشان تقریر می کنند ورته یک آذانی که ۲۰ سال در راه دولت زحمت کشیده و مرده است نباید یکسال پنج تومان شهریه داد ملت می گوید باید داد خوب است در موقع رأی مطالعه کنید و هر کدام نامصحیح است رأی ندهید بعقیده بنده تمام بجای صحیح است شاهر کدام را صحیح نمی دانید در موقعش رأی ندهید . از طرف مقام ریاست هم اعلام شده که نسبت بهر یک از این اقلام جدا گانه رأی گرفته می شود . شما در آن وقت اظهار مخالفت بکنید نه این که تا یک چنین لایحه ای مطرح می شود بنام ملت و بنام فقرا یک بیاناتی بفرمائید و خودتان را یک گانه وکیل ملت تصور نمائید سایرین وکیل ملت نیستند ؟ غیر این طور نیست من تصور می کنم اگر از شما خدمتگذارتر نباشند کمتر از شما هم نیستند . همه قسم خورده اند و هیچیک از ما نباید خودمان را از سایرین بهتر و دلسوزتر بدانیم و اگر هم هستند فرق نمی کنند این رایزنی مرکب از یک عده اقلامی است که وقتی مراجعه فرمائید خواهید دید دوسه قلمش راجع بآزان است که چند سال خدمت کرده و آنوقت که کشیک ناموس بنده شما را می کشیده است از پشت بام افتاده و مرده است حالا برای یک سال در حق ورته او ما می چهار پنج تومان قرارداد داده اند شما برای این چند قلم اظهار مخالفت و حرارت می کنید در صورتی که در موقعی که چهل هزار تومان تصویب شد این قدر خود کشی و اظهار حرارت را نفرمودید . یک نفر بیست سال در یک اداره خدمت کرده خیانت هم نکرده است که مستوجب تنبیه باشد . امروز فلج و عاجز و بی نوا شده شاید دوسه سال دیگر هم بیشتر زنده نباشد و در این مدت ما می چهار پنج تومان برای او تصویب کردن این قدر جزع و فزع ندارد . اگر می خواهید در علاوه چنانکه آقای رئیس هم فرمودند در این لایحه قلم بقم رأی گرفته می شود و هر یک از آقایان نسبت بهر کدام از این اشخاص اظهاری داشته باشند ممکن است در موقع رأی اظهار مخالفت بفرمائید و اما در خصوص ورته نایب حسین بنده تصدیق می کنم که خود نایب حسین شخص شریری بوده است و تمندیاتی هم بر مردم کرده ولی ورته وزن و بچه او که تصویب نکرده اند و تمندی یکی ننوده اند
رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)
آقا سید فاضل - این پیشنهاد با آن ترتیب که مقام ریاست بیان فرمودند

است بیست و هشت فقره رای باید گرفته شود .
محمد هاشم میرزا - اگر تجزیه اش را کسی نتواند گمان می کنم بشود یک رأی گرفت
رئیس - مثل میدانم زیرا این اقلام را دولت یکدفعه پیشنهاد نکرده است بلکه هر یک در تحت یک لایحه بوده است منتهی برای این که اتلاف وقت نشود یک دفعه در تحت یک رأی قرار داده شده است پیشنهادی از آقا میرزا سید حسن کاشانی رسیده است قرائت می شود
بعضی ذیل قرائت شد
بنده پیشنهاد می کنم این لایحه تفکیک شود . اشخاصی که خدمت کرده و از عهد خدمت بر نمی آید معین نمایند و اشخاص که جزو مستخدمین نبوده اند تحقیق از حال آنها بشود اگر لازم شد کفایتی برای آنها بشود . (حسن العسینی کاشانی)
رئیس - توضیحی دارید؟
آقا میرزا سید حسن کاشانی - بنده مخالفم که در این لایحه استثنائاتی شده است که قابل اصلاح است نایب حسین کاشانی این قدر مردم را کشته و اموال مردم برده است که از حساب بیرون است و هیچ مردم بنماید حالا ما برای ورته خود نایب حسین شهریه برقرار می کنیم انصاف منقضی این نیست که زن و بچه اشخاص را او کشته از گرسنگی بپراند ولی زن و بچه نایب حسین از دولت حقوق بگیرند . بملاوه در این رایزنی نوشته است امیرخان در صورتی که امیرخان نیست اگر خان است که هر روز در بهارستان جلوی و کلارا می گیرد و شهریه می خواهند . بنابراین بعقیده بنده باید تفکیک شود تا آنها که قابل خدمت هستند معلوم شود و آنها هم که قابل خدمت نیستند یک فقره درباره آنها بشود
سهم السلطان - این که آقا میرزا سید حسن می فرمایند خوب است تفکیک شود و اشخاصی که می توانند کار بکنند به آنها کار داده شود اگر در این صورت دقت بفرمائید تصدیق خواهند کرد کاین اشخاص اشخاصی نیستند که داخل کار بشوند چند نفر از اینها بملاوه مزاج و کوری چشم و غیره قادر بکار نیستند و از کار افتاده اند بملاوه چنانکه آقای رئیس هم فرمودند در این لایحه قلم بقم رأی گرفته می شود و هر یک از آقایان نسبت بهر کدام از این اشخاص اظهاری داشته باشند ممکن است در موقع رأی اظهار مخالفت بفرمائید و اما در خصوص ورته نایب حسین بنده تصدیق می کنم که خود نایب حسین شخص شریری بوده است و تمندیاتی هم بر مردم کرده ولی ورته وزن و بچه او که تصویب نکرده اند و تمندی یکی ننوده اند
رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)
آقا سید فاضل - این پیشنهاد با آن ترتیب که مقام ریاست بیان فرمودند

تعمیل حاصل است زیرا وقتی بمقام تجزیه برسد دیگر این پیشنهاد موقعیت ندارد و در موقع رأی آقایان ممکن است نظریات خودشان را اظهار نمایند . بملاوه باین شهریه های جزئی در حق این اشخاص فقیر شاهزاده علی خان یک پیر مرد معتزلی است که مدتها بدولت خدمت کرده و اخیراً مرحوم شده یک دختر عالمه دارد که ماهی پنج تومان در حق آن تصویب شده است برای عیال و اولاد میرزا حسین نقاش که در خدمت دولت در میان اردو فوت شده ماهی شش تومان برقرار شده اینها چیزهایی نیست که این همه اهمیت می دهند و همه این اشخاص مفکوک هستند که دولت و ملت برای آنها این وجه را تصویب بنماید و این که آقای محقق الملما فرمودند ما چهل هزار تومان از بابت شهریه تصویب کردیم و اینها هم چهل هزار تومان تصویب می کنیم و مثلی هم فرمودند که هر را بیل راه خانه مرایدا کرده بنده هر چه حساب کردم دیدم چهل هزار تومان نمی شود مگر آنکه ده سال یا پانزده سال روی هم حساب کنند تا این که چهل هزار تومان بشود و این که امروز پیشنهاد کرده اند سید هوشنگ و شش تومان است در صورتی که بعضی از اینها هستند که حقوقشان تا سن بیست و یک سالگی است و بعضی تا موقمی که شوهر اختیار نکرده اند و بالاخره بنده در این پیشنهاد یک منطقی نمی بینم و عقیده ام این است همانطور که فرمودند علی حده رای گرفته شود و تکلیف معلوم شود
رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای میرزا سید حسن آقابانی که قابل توجه می دانند قلم بقم فرمائید
(عده قلمی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد رأی می گیریم بقره اول
حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم پیشنهادی تقدیم کرده ام
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب پیشنهاد کرده اند آنهایی که حقوقشان تا ۱۰ تومان است یک دفعه رأی گرفته شود ولی این ترتیب قانونی نیست و باید جدا جدا رأی بدهند رأی می گیریم بقره اول میرزا احمد هوشنگ که آنها را ماهیانه هفت تومان آقابانی که تصویب می کنند قیام فرمائید
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . رأی می گیریم بقره دوم . میرزا اسدالله خان عضو اداره تجدید ماهیانه پانزده تومان آقابانی که تصویب می کنند قیام نمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد فقره سوم اکبر فراش اداره مالیه کرمان ماهیانه شش تومان و نیم . آقابانی که تصویب می کنند قیام نمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد فقره چهارم .

میرزا اسدالدین خان الهی ماهیانه سی و پنج تومان قلم بقم - بنده سؤالی دارم
رئیس - بفرمائید
قلم بقم - چون باین ترتیب رأی به مجلس آمده است و بنده نسبت باغلب این اشخاص اطلاعاتی ندارم باین جهت ناچارم این سئوال را بنمایم . آیا در مورد این اشخاص که رأی گرفته می شود بنده ذیحق هستم توضیحی بخواهم یا خیر؟
رئیس - در موقع کلیات میبایستی توضیحات بخواهید
تدین - عرض کردم چون سابقه نداشته است که یک رأی در چند قلمی به مجلس پیشنهاد شود
رئیس - با وجود این بسته برای مجلس است اگر اجازه میدهند بفرمائید
تدین - بنده می خواستم توضیح بدهند اینکه در اینجا نوشته است میرزا اسدالدین خان در نتیجه خدمات هلیل و ضعیف شده و از ادامه خدمت محروم است آیا در کجا خدمت کرده است
وزیر مالیه - حکیم الهی مرحوم و فامیل او راهه می شناسند میرزا اسدالدین خان هم یکی از اولاد های اوست که بیست سال است در اداره مالیه خدمت می کند و حالا دیگر مبتلا بیک مرضی شده است که دیگر نمی تواند کار کند و خیلی مستأصل و پریشان است این بود که استدعا شد حقوق درباره او برقرار شود.
رئیس - آقای حاج سیدالمحققین پیشنهاد کرده اند بیست و پنج تومان داده شود توضیحی دارید بفرمائید
حاجی سیدالمحققین - عرضی ندارم مقصود همین بود که پیشنهاد کرده ام
رئیس - آقای مخبر کمیسیون قبول می کنند؟
نصرت الدوله - بنده نمی توانم اظهار رأی بکنم آقای وزیر تشریف دارند و توضیح میدهند
رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای سیدالمحققین که عوض ۳ تومان ۲۵ تومان داده شود آقابانی که قابل توجه میدانند قیام فرمائید
(عده قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد . رأی می گیریم به ۳۵ تومان آقابانی که باین مبلغ رأی میدهند قیام فرمائید
(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . فقره پنجم (بعضی ذیل قرائت شد)
سید محمود دروازه بان کاشان بواسطه کوری و نایبانی ماهیانه پنج تومان
رئیس - رأی می گیریم بقره پنجم آقابانی که تصویب می فرمائید قیام فرمائید
(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . فقره ششم (شرح ذیل قرائت شد)
خانم ابتهاج السلطنه ماهیانه ۴ تومان
رئیس - آقابانی که فقره ششم را تصویب می کنند قیام فرمائید
(عده قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد . قسمت هفتم

(از قرار ذیل خوانده شد)
عیال و اولاد میرزا حسین نقاش از اول آبتیل نامدت پانزده سال ماهیانه شش تومان .
رئیس - آقابانی که فقره هفتم را تصویب می کنند قیام نمایند
(عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد فقره هشتم (شرح ذیل قرائت شد)
میرزا رضا خان سر رشته دار بواسطه کوری و نایبانی ماهیانه سی تومان
رئیس - آقابانی که فقره هشتم را تصویب میکنند قیام فرمائید
(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد فقره نهم (اینطور قرائت شد)
هوشنگ خان پسر هلیخان قند هاری تا موقمی که مشغول تعمیل است (در موقع بیاردمان مجلس مقبول شد) ماهیانه شش تومان
رئیس - آقابانی که قسمت نهم را تصویب می کنند قیام نمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد فقره دهم (بعضی ذیل خوانده شد)
صبیه حاجی اظم تاموقمی که شوهر اختیار نکرده ماهیانه شش تومان و شش قران
رئیس - آقای کازرانی (اجازه)
آقا میرزا علی کازرانی - می خواستم بفهمم حاج ناظم چه کاره بوده است؟ کی بوده است چه خدمتی کرده است؟ کی مرده است؟ والا برسبیل اطلاق رأی دادن که منطقی نیست اگر ممکن است توضیح بدهند مخبر - رأی می گیریم که قبال دولت داده بود در آنجا بشرح حالش نوشته شده و در این رایزنی که خلاصه نوشته شده است درست متذکر نشده و بنده هم خاطر من نیست ولی در رایزنی سابق کمیسیون هست اگر آقایان همراه داشته باشند ممکن است مراجعه فرمائید (رایزنی سابق بعضیون)
ذیل قرائت شد)
نظر باینکه حاج ناظم پدر حسینان وکیل باشی سوار نظام مرحوم شده و دختری دارد که کفیل و وسیله مداش ندارد برهات سوابق خدمات مرحوم مشارالیه حقا نگاهدار و مشارالیه برده دولت است تا موقمی که قانون مندرجات مأمورین نظامی از تصویب شورای ملی بگذرد مطابق اصولی که سابقاً معمول و نلت حقوق مستوفی در حق ورته برقرار میشده است تصویب ماده واحده ذیل را پیشنهاد و تقاضای نماید
رئیس - رأی می گیریم بقسمت دهم که شش تومان و شش قران است آقابانی که تصویب می کنند قیام نمایند .
(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد فقره یازدهم . (بترتیب ذیل خوانده شد)
عیال رحیم خان پیشخدمت اداره تجدید تاموقمی که شوهر اختیار نکرده و دو نفر طفل صغیر تا سن ۱۸ سالگی بالسویه ماهیانه ده تومان .

رئیس - اگر قسمت ۱۱ را تصویب می کنید قیام فرمائید (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. فقره دوازدهم (بشرح ذیل قرائت شد)

محسن خان پسر مصطفی خان پیش خدمت وزارت مالیه تاسن ۲۱ سالگی ماهیانه چهار تومان .

مدرس - بنده پیشنهاد میکنم تاسن ۲۰ سالگی واده شود .

رئیس - بنده پیشنهادی ندیدم .

مدرس - الان می نویسم و تقدیم می کنم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده بایشتهادی که الان آقای مدرس می خواهند تقدیم کنند مخالفم و برای اینهم اجازه خواستم و اجازه بنده معفوفاست

رئیس - آقای مدرس پیشنهاد فرموده اند که بیست و یکسال ۲۰ سال شود آقای مدرس . (اجازه)

مدرس - بنده عرض می کنم هیچ فلسفه ندارد که سن ۲۱ سال باشد ممکن است بیست و یک سال صرف تقلید است خوب است بنویسند بیست سال . بیست و پنج سال و بیست و یکسال فلسفه ندارد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - آقای مدرس اظهار کردند که بیست و یکسال فلسفه ندارد بنده هم عرض می کنم دلیل ندارد بیست سال شود ولی در این مجلس اگر خاطر آقایان باشد در چند مورد راجع بمرتبه از طرف دولت پیشنهاد شده است و سن را بیست و یکسال قرار داده اند بعضی موارد هم کمتر بوده ولی عرض من هوشنگ خان پسر علی خان قندهاری است که در این جا قدیمه تاموقی که مشغول تحصیل است و مدت آنهم هیچ معلوم نیست و ما ماهی شش تومان تصویب کردیم ولی در موضوع مصطفی خان پسر بیست و یکسال و وزارت مالیه که ماهی چهار تومان دارد می گوئیم بیست و یکسال زیاد است و باید بیست سال شود در صورتی که این اعتراض در باره هوشنگ خان بیشتر وارد بود که مدت از برای آن قرار بدهند زیرا ممکن است بگویند تاسن سی سالگی من مشغول تحصیل هستم نیز این که این شخص مشغول تحصیل است یا نیست باکی است ؟ بنابراین چون در قانون استخدام هم سن را تأییدت و یک سالگی بیش بینی کرده اند و زمان فارغ التحصیلی هم همان بیست و یکسال است باین جهت عقیده بنده این است که همان بیست و یکسال باشد بهتر است که علاوه جای دوری نخواهد رفت که دولت در مدت یک سال ماهی چهار تومان علاوه بدهد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه) حاج شیخ اسدالله - از نقطه نظر حقوق نیست که مامی گوئیم بیست سال باشد ممکن است بیست و دو سال بدهند بیست و پنج سال بدهند این پیشنهادی که شده است از این نقطه نظر است که یک اصل تقلیدی را برهم

بزنیم و بگوئیم ما بیست و یکسال را میزان سن نمی دانم اگر آقای تدین می گویند بیست سال کم است بفرمائید بیست و پنج سال باشد مخالفت در یک سال زیاد نیست بلکه باید اصول بیست و یکسالگی را برهم زد

رئیس - رای می گیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس . آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمائید .

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد . این یکی می ماند برای روز یکشنبه فقره سیزدهم قرائت می شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

میرزا مهدی اشتهااردی معلم سابق مدرسه ساسی بواسطه علت مزاج ماهیانه پنجاه تومان

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - باید لافلاقی توضیح بدهند که مقصود از علت مزاج چه چیز است و الا همینکه می گویند علل است و علت مزاج دارد بنده نمی دانم چرا برای او پنجاه تومان معین کرده اند و عرض میکنم اشخاصی که معانای برای ملت قدم برداشته اند و هیچ برای مردم خدمت نکرده اند و در مدرسه هم بوده اند حقوق گرفته اند در اداره هم اگر بوده اند حقوق گرفته اند حالا که قدری کسالت پیدا کرده اند ما چه طور میایم برای آنها حقوق قرار بدهیم و بقول آقای حائری زاده شلو کورشان هم بکنیم ، این اساس برای او صحیح نیست و من نمی دانم چرا باید پنجاه تومان برای او قرار بدهند بنابراین بنده پیشنهاد میکنم بیست و پنج تومان باشد .

رئیس - آقای تدین . (اجازه)

تدین - آقای آقا سید یعقوب یک وقت موافقت می کنند درباره اشخاص که بمملکت خدمت کرده اند و مستخدم دولت بوده اند و البته باید رعایت حال آنها را هم کرد ولی یک دفعه می فرمایند کسی که خدمت کرده در ازای خدمت خود مزد گرفته پس بنابراین زاید بر آن حقوقی که در زمان خدمت می گرفته است نباید چیزی داده شود .

میرزا مهدی اشتهااردی یک نفر از فضایی طلاب قدیم است و از معلمین ادبیات عربی امروزه است محل و مسکنش هم در چندنی قبل در مدرسه صدر جلوه خان مسجد شاه بود شخصی است فاضل ادیب و زحمت کشیده و چندین سال است که معلم ادبیات مدرسه سیاسی است در آنجا منطق و نحو و صرف و معانی بیان را ایشان تدریس می نمودند .

متأسفانه در یک موقی ایشان مبتلا شدند بمرض هصبانی که در نتیجه آن مرض مجبور بوده اند لایق قطع موهای سبیل و ریش خود را بکنند و هر قدر هم معالجه کردند نتیجه نه بخشید .

و بقدری این مرض شدت پیدا کرده که اطباء ایشان را از معاشرت و تدریس

معاینه کردند و الا نمی توانند بتدریس اظهارات آقای آقا سید یعقوب با قانون اساسی تطبیق کنند باید اول مالی از برای نایب حسین ثابت بکنند وقتی که مال برای او ثابت کردند آنوقت فرمایش ایشان مورد دارد و آنچه تا کنون شنیده شد نایب حسین از خودش مالی نداشته است در اینصورت اقدامی که درباره او شده است برخلاف قانون نیست اموال متعلق بمرم بود است . منتهی او بواسطه دزدی و غارتگری آنها را جمع کرده است و در هر صورت نایب حسین از خودش چیزی نداشته و خوب هم نیست در اینها بگوئیم . نایب حسین از خودش ثروت داشته است زیرا کسی که مال مردم را بزدلان مال تملق باو نخواهد داشت و قانون اساسی هم درباره آن مال مجری نیست اما اگر آقای آقا سید یعقوب می خواهند در باره شهریه آنها مخالفت بفرمائید ممکن است بشکرت دیگری تعبیر کنند و بگویند دولت یک چیزی از زمان مالیه ای که ضبط کرده است و صاحبش معلوم نشده است بآنها رد کند و دیگر شهرییه بآنها ندهند زیرا شهرییه آنها را بیک قسم بیکاری عادت می دهد پس خوب است یک تیکه ملکی بآنها بدهند تا بروند عقب رعیتی و شاید در این مسئله بعضی ها هم با آقای آقا سید یعقوب موافقت کنند ولی امروز به اندازه بر طرف شدن نایب حسین و ماشاالله که البته حشمان بود ازین برونند و یک خانواده فقیری دارند و اولاد صغیر او هیچ وقت گناه نکرده اند دولت نمی تواند آنها را بگذارد از گرسنگی بپرند یا بجهت پیشنهاد شهرییه می کنند و تصور میکنم اگر شهرییه آنها را تصویب کنیم ضرری ندارد اما اگر راه ارتزاق تصویب می کند قیام فرمائید .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . فقره شانزدهم (بشرح آتی قرائت شد)

عیال و صبا یای نایب حسین ماهیانه سی تومان

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - از مجلس شورای ملی شورای ملی تقاضا میکنم در این مسئله که الان عرض خواهم کرد با بنده مساعدت و همراهی کنید و آن این است که چرا دولت بی مناسبت و برخلاف قانون اساسی اموال نایب حسین را در کاشان ضبط کرده است اصل شانزدهم قانون اساسی میگوید که مال هیچکس را بعنوان مجازات و سیاست نباید توقیف کرد جلو چشم مامال مردم را بعنوان اینکه یافی گری کرده اند توقیف کرده اند

بنده با این ترتیب مخالفم زیرا بر خلاف نص صریح قانون اساسی است چرا مال نایب حسین را ضبط کرده اند و باید همان مال خود را باز بدهند که ما بیایم در مجلس شورای ملی برای اولاد ایشان حقوق برقرار کنیم و یک خرجی هم برای دولت زیاد کنیم و باید اموال آنها را دفع این گونه مظلالم را بکنند محل این

مخبر کسبیون - از برای اینکه اظهارات آقای آقا سید یعقوب با قانون اساسی تطبیق کنند باید اول مالی از برای نایب حسین ثابت بکنند وقتی که مال برای او ثابت کردند آنوقت فرمایش ایشان مورد دارد و آنچه تا کنون شنیده شد نایب حسین از خودش مالی نداشته است در اینصورت اقدامی که درباره او شده است برخلاف قانون نیست اموال متعلق بمرم بود است . منتهی او بواسطه دزدی و غارتگری آنها را جمع کرده است و در هر صورت نایب حسین از خودش چیزی نداشته و خوب هم نیست در اینها بگوئیم . نایب حسین از خودش ثروت داشته است زیرا کسی که مال مردم را بزدلان مال تملق باو نخواهد داشت و قانون اساسی هم درباره آن مال مجری نیست اما اگر آقای آقا سید یعقوب می خواهند در باره شهریه آنها مخالفت بفرمائید ممکن است بشکرت دیگری تعبیر کنند و بگویند دولت یک چیزی از زمان مالیه ای که ضبط کرده است و صاحبش معلوم نشده است بآنها رد کند و دیگر شهرییه بآنها ندهند زیرا شهرییه آنها را بیک قسم بیکاری عادت می دهد پس خوب است یک تیکه ملکی بآنها بدهند تا بروند عقب رعیتی و شاید در این مسئله بعضی ها هم با آقای آقا سید یعقوب موافقت کنند ولی امروز به اندازه بر طرف شدن نایب حسین و ماشاالله که البته حشمان بود ازین برونند و یک خانواده فقیری دارند و اولاد صغیر او هیچ وقت گناه نکرده اند دولت نمی تواند آنها را بگذارد از گرسنگی بپرند یا بجهت پیشنهاد شهرییه می کنند و تصور میکنم اگر شهرییه آنها را تصویب کنیم ضرری ندارد اما اگر راه ارتزاق تصویب می کند قیام فرمائید .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . فقره شانزدهم (بشرح آتی قرائت شد)

عیال و صبا یای نایب حسین ماهیانه سی تومان

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - از مجلس شورای ملی شورای ملی تقاضا میکنم در این مسئله که الان عرض خواهم کرد با بنده مساعدت و همراهی کنید و آن این است که چرا دولت بی مناسبت و برخلاف قانون اساسی اموال نایب حسین را در کاشان ضبط کرده است اصل شانزدهم قانون اساسی میگوید که مال هیچکس را بعنوان مجازات و سیاست نباید توقیف کرد جلو چشم مامال مردم را بعنوان اینکه یافی گری کرده اند توقیف کرده اند

بنده با این ترتیب مخالفم زیرا بر خلاف نص صریح قانون اساسی است چرا مال نایب حسین را ضبط کرده اند و باید همان مال خود را باز بدهند که ما بیایم در مجلس شورای ملی برای اولاد ایشان حقوق برقرار کنیم و یک خرجی هم برای دولت زیاد کنیم و باید اموال آنها را دفع این گونه مظلالم را بکنند محل این

مخارج هم مالیات عمومی است و مردم هم مالیات می دهند در مرحله اول برای حفاظت جان و مال و عرض و ناموس خود می دهند نایب حسین کاشانی و ماشاالله خان گویا جای انکار نباشد که فوق العاده بمرم زحمت و اذیت کردند و مقدار زیادی اموال تجار و غیر تجار را سرقت کردند اما دولت که مجبور می شود دفع این اشرار را بکند دیگر حق ندارد اموالی که در حیطه تصرف اوامد امی که شوهر اختیار نکرده اند بالا و به ماهی ۱۰ تومان

رئیس - آقای آقا میرزا سید حسن (اجازه)

مغالظم زیرا این اصل از اصول دوره استبداد است در دوره مشروطیت نمی شود این اقدامات را نمود . در صورتی که دولت دفع شریک دزد شریر را از مردم کرد چرا باید اموالی را که آن دزد غارت کرده است جزو خالصه قرار دهد . وقتی اموالی را که یک دزد شریری از مردم گرفته دولت ضبط کند چه فایده برای مردم بدبخت خواهد داشت ؟ دولت به اندازه این که آن ظالم را از بین برد باید اموال او را حفاظت کند

باید اعلان کند صاحبان حقیقی اموال را بخواهد و هر کدام از روی اسناد و مدارک توانست حقانیت خود را ثابت کنند اموال آنهارا مسترد نماید ولی فعلا دولت یک شریری را از بین برده و اموال او را خودش ضبط کرده است و این یک عمل غیر عادلانه است دولت باید اموال مردم را از باغی ها گرفته و بدست صاحبان آن بدهد این که خود ضبط کند . بنده با این اصل مخالف هستم و تصور می کنم تمام آقایان هم با این عقیده من موافق باشند زیرا دفع شریرانی از مردم در مرحله اول لازم و واجب است ولی پس از دفع او باید اموال را بصاحبانش مسترد کرد ولی اگر یک اموالی ماند که صاحب حقیقیش معلوم نشد البته تکلیف دیگری باید از برایش معین کرد بصرف امور خیریه و بر برسانید .

بنده از نقطه نظر اخلاقی نمی توانم خودم را حاضر کنم که چهار طفل صغیر یک چنین شخصی هم گرسنه بمانند ولی از طرف دیگر نباید این راهم از نظر معمو کرد که همین نایب حسین و ماشاالله خان و امثال آنها از وقتی که یک مشت مردم بیچاره را کشتند چه صدماتی بر اطفال صغار مقتولین وارد آوردند .

و ما اطفال آن مقتولین را که در تحت شکنجه و فشار این اشرار واقع شده اند بکلی از نظر دور کرده ایم و هیچ نمی دانیم چقدر از وره آن اشخاص مقتولین امروزه گدائی می کنند و بنان شب محتاجند . آن وقت برای وره یک شریری در مجلس یک سابقه می گذاریم و شهریه برقرار می کنیم . (بعضی از نمایندگان) مذاکرات کافی است)

رئیس - رای می گیریم بقدره

شانزدهم عیال و صبا یای نایب حسین آقایانی که فقره شانزدهم را تصویب می کنند قیام فرمائید .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - قسمت مقدم .

(اینطور قرائت شد)

عیال امیرخان مادام الحیوة و صبا یای اوامد امی که شوهر اختیار نکرده اند بالا و به ماهی ۱۰ تومان

رئیس - آقای آقا میرزا سید حسن (اجازه)

مغالظم زیرا این اصل از اصول دوره استبداد است در دوره مشروطیت نمی شود این اقدامات را نمود . در صورتی که دولت دفع شریک دزد شریر را از مردم کرد چرا باید اموالی را که آن دزد غارت کرده است جزو خالصه قرار دهد . وقتی اموالی را که یک دزد شریری از مردم گرفته دولت ضبط کند چه فایده برای مردم بدبخت خواهد داشت ؟ دولت به اندازه این که آن ظالم را از بین برد باید اموال او را حفاظت کند

باید اعلان کند صاحبان حقیقی اموال را بخواهد و هر کدام از روی اسناد و مدارک توانست حقانیت خود را ثابت کنند اموال آنهارا مسترد نماید ولی فعلا دولت یک شریری را از بین برده و اموال او را خودش ضبط کرده است و این یک عمل غیر عادلانه است دولت باید اموال مردم را از باغی ها گرفته و بدست صاحبان آن بدهد این که خود ضبط کند . بنده با این اصل مخالف هستم و تصور می کنم تمام آقایان هم با این عقیده من موافق باشند زیرا دفع شریرانی از مردم در مرحله اول لازم و واجب است ولی پس از دفع او باید اموال را بصاحبانش مسترد کرد ولی اگر یک اموالی ماند که صاحب حقیقیش معلوم نشد البته تکلیف دیگری باید از برایش معین کرد بصرف امور خیریه و بر برسانید .

بنده از نقطه نظر اخلاقی نمی توانم خودم را حاضر کنم که چهار طفل صغیر یک چنین شخصی هم گرسنه بمانند ولی از طرف دیگر نباید این راهم از نظر معمو کرد که همین نایب حسین و ماشاالله خان و امثال آنها از وقتی که یک مشت مردم بیچاره را کشتند چه صدماتی بر اطفال صغار مقتولین وارد آوردند .

و ما اطفال آن مقتولین را که در تحت شکنجه و فشار این اشرار واقع شده اند بکلی از نظر دور کرده ایم و هیچ نمی دانیم چقدر از وره آن اشخاص مقتولین امروزه گدائی می کنند و بنان شب محتاجند . آن وقت برای وره یک شریری در مجلس یک سابقه می گذاریم و شهریه برقرار می کنیم . (بعضی از نمایندگان) مذاکرات کافی است)

رئیس - رای می گیریم بقدره

غالب نمایندگان قیام نمودند

رئیس - تصویب شد جزء بیست و یکم (باین ترتیب قرائت شد)

ورته ملی نقی میرزا آژان ۱ ساله از فرار ماهی ۹ تومان و نیم

رئیس - اگر این قسمت را تصویب می نمایم قیام بفرمائید

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد جزء بیست و دوم (بشرح ذیل خوانده شد)

ورته حسن بیگ آژان یک ساله از فرار ماهی نه تومان

رئیس - آقایانی که این قسمت را تصویب می کنند قیام بفرمائید

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . فقره بیست و سوم (از فرار ذیل قرائت شد)

ورته ابوالفتح بیگ آژان یکساله از فرار ماهی نه تومان و نیم

رئیس - این قسمت را هم اگر تصویب می فرمائید قیام بفرمائید

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد قسمت دیگر (این شکل قرائت شد)

ورته حسن بیگ آژان شماره ۱۹ ماهیانه بیست و چهارم

رئیس - رای می گیریم بقسمت یک نفر از نمایندگان - باید مدت هم علاوه شود

مخبر - این هم باید یکساله باشد

رئیس - در پیشنهاد دولت برای سایرین مدت معین شده ولی برای این قسمت معین نشده

وزیر مالیه - برای این چند نفر همه یکساله پیشنهاد شده است

رئیس - این را هم یکساله رای می گیریم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمائید

(عده کثیری از نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . قسمت بیست و پنجم .

(بشرح آتی قرائت شد)

ورته نبی خان آژان ۳ ماهه از فرار ماهی هیجده تومان .

رئیس - رای می گیریم برای برقراری ماهی هیجده تومان در حق ورته نبی خان آژان ۳ ماهه آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمائید

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . قسمت بیست و ششم .

(این طور قرائت شد)

ورته قاسم خان آژان مدت ۳ سال از فرار ماهی نه تومان

رئیس - آقایانی که قسمت بیست و ششم را تصویب می کنند قیام فرمائید

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . قسمت بیست و هفتم .

(بشرح ذیل قرائت شد)

ورته عباس آژان یک ساله از فرار ماهی ۹ تومان .

رئیس - آقایانی که این قسمت را تصویب می کنند قیام بفرمائید .

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد قسمت بیست و هشتم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ورته صدرالسمالی پنج نفر (سهمی یک نفر از ورثه صدرالسمالی که فوت کرده بسایر ورته منتقل می شود) از فرار ماهی پنج تومان .

رئیس - آقایانی که قسمت ۲۸ را تصویب می کنند قیام بفرمائید .

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . در باره ابتهاج السلطنه جمعی پیشنهاد کرده اند سی تومان مادام الحیوة داده شود .

(آقای منتصر الملک پیشنهاد را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

مقام متبج ریاست محترم مجلس مقدس دامت شوکه

چون در موقی که چهل تومان شهریه خانم ابتهاج السلطنه مطرح بود اغلب از آقایان نمایندگان از وضعیت حالیه ایشان بی اطلاع بوده اند لهذا امضاء کنندگان که از حال ایشان مستعزیم و رعایت صرفه دولت را هم هیچوقت از نظر معومی کنیم این استعانت را لازم دانسته و مبلغ سی تومان شهریه درباره ایشان پیشنهاد می نمایم .

سلیمان میرزا - بنده یک سؤال نظامنامه دارم .

رئیس - بفرمائید .

سلیمان میرزا - یک پیشنهادی از طرف دولت بود و مجلس رد کرد و علت دلایل را هم در موقی رد نمی پرسند . ما هم حق پیشنهاد بودجه نداریم بعقیده بنده این پیشنهاد بر خلاف نظامنامه است . اگر آقای وزیر مجدداً پیشنهاد بکنند ما می توانیم بپذیریم آقا و کلا حق ندارند مجدداً پیشنهاد کنند .

وزیر مالیه - راجع بغامان ابتهاج السلطنه شاید بعضی از حال ایشان مسیوق بودند و شاید بعضی چهل تومان را زیاد دانسته اند سی تومان را هم هیئت دولت قبول می کند .

رئیس - راجع بطلبی که شاهزاده فرمودند بنده بیک قدری تردید دارم .

مدرس - ما تردید نداریم و پیشنهاد کردن ۳۰ تومان صحیح است .

رئیس - در آن باب اگر دو آیه لازم باشد باید مطالعه بفرمائید بده رای بدهید آقا چون حالا آقای وزیر قبول می کنند تردیدی نیست رای می گیریم باین پیشنهاد (مادام الحیوة از فرار ماهی سی

تومان (آقایانی که تصویب می کنند قیام بفرمایند)
 (غالب نمایندگان قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . نسبت بکلیه لایحه با ورفه باید رای گرفته شود ولی اگر آقایان موافق باشند بماند برای بعد از تنفس .
 (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)
 رئیس - پیشنهادی از طرف آقای

مستشار السلطنه شده قرائت می شود .
 (بمضمون ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهادی نمایم در راپورت نمره ۷۵ کمیسیون بودجه چند فقره از شهریه ها مدت معین نشده است مدت آن فقرات معین و سپس اخذ رای بشود .
 مستشار السلطنه

مخبر - گویا دو فقره بیشتر نیست و برای تعیین مدت هم مخالفی نیست
 رئیس - از فقره اول تا فقره ششم مدت معین شده فقره هشتم هیئتطور فقره نهم مدت ندارد و همچنین فقره سیزدهم هر چند فقره سیزدهم هنوز تصویب نشده و چهاردهم هم مدت ندارد و باید مادام الحیوة نوشته شود ...
 مستشار السلطنه - در اینکه این قسمتی است از حقوق تقاعدی و باید مادام الحیوة بشود مرضی ندارم ولی درباره هوشنک خان نمی شود مادام الحیوة قائل شد

مخبر - راجع باین فقره سن را بیست سال معین می کنیم در فقره هفتم هم که خیال و اولاد میرزا حسین نقاش است نوشته شده است از اول ابتداء تا پانزده سال باید بعد از ابتداء تاریخ گذاشت از اول ایت ثبیل ۱۳۰۱
 رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
 محمد هاشم میرزا - در موضوع هوشنک خان چون در کمیسیون توضیحاتی دادند که پدرش در موقع بمباردمان مجلس مقتول شده ما برای رعایت خدمت او یک تفاوتی منظور داشتیم که مادام التحصیل باشد و در این موقع مخصوصاً نهواستیم بیست سال باشد ...

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)
 آقا سید فاضل - بطوریکه شاهزاده محمد هاشم میرزا می فرمایند بیست سال آخر تحصیل نیست و بر فرض از پانزده سالگی بخواهد تحصیل کند پنج سال کافی نیست که تحصیلات خود را تمام کند و در کمیسیون خواستیم تقدیر کنیم از عملیات پدرش بدین لحاظ بنده پیشنهاد می کنم تا سن بیست و پنج سالگی باشد .
 رئیس - پیشنهاد بفرمائید راجع به دیگران چه شد ؟

مخبر - راجع باولی مقصود مادام الحیوة است هیئتطور میرزا اسدالله خان و همچنین اکبر خراش و سایر فقرات که ذکر نشده فقط همان هوشنک خان است باقیمانده ..
 رئیس - آقای آقا سید فاضل پیشنهاد کرده اند برای هوشنک خان تا سن بیست و پنج سالگی برقرار شود .
 مخبر - قبول می کنم .
 رئیس - در این باب مخالفی نیست .
 آقای تدین .
 (اجازه)

تدین - اگر ما در اینجا قائل شویم که جمله (مشغول تحصیل) ذکر شود دیگر نمی توانیم قائل شویم تا سن بیست و پنج سالگی برقرار شود مگر اینکه جمله تا موقع تحصیل را حذف کنیم و اینکه در جاهای دیگر تا سن بیست و یک سالگی معین میکنند یکی از ادله اش این است که چون طفل شش سالش تمام شد بمدرسه میرود شش سال دوره ابتدائی و شش سال دوره متوسطه و سه سال هم برای دوره عالی این پانزده سال و با آن شش سال بیست و یک سال میشود و در سن بیست و یک سالگی فارغ التحصیل خواهد شد در اینجا هم اگر از بابت خرج تحصیل داده می شود باید تا بیست و یک سالگی داده شود و اگر در باب کشته شدن پدرش است آنوقت جمله مشغول تحصیل را باید حذف کرد .

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)
 آقا سید فاضل - معلوم است تحصیل من المهد الی اللهد است نهایت مسائلی که آقای تدین فرمودند راجع بمدارس است که تازه تشکیل داده اند والا تحصیل علوم حقیقی من المهد الی اللهد است و در اینجا هنوز یک مدارس مرتبه نداریم که تا سن ۲۱ سالگی اطفال فارغ التحصیل شده و از مدرسه بیرون بیایند بنده از نقطه نظر خدمات والد این شخص که مرحوم قندهاری باشد پیشنهاد کردم تا ۲۵ سالگی باشد آقای مخبر هم قبول فرمودند انشاء الله مجلس هم موافقت خواهد کرد

مخبر - تکلیف بنده قدری مشکل شده است از یکطرف با اظهار آقای آقا سید فاضل موافقت می کنم و از طرف دیگر مسئله هم که آقای تدین می فرمایند از نقطه نظر امثال و نظایر قابل توجه است بعهده بنده در این مورد باید دوره تحصیل را حذف کنیم که جاهای دیگر چهار اشکال نشویم در هر صورت از نقطه نظر مراعات این آدم و از نقطه نظر این که پدرش در بمباردمان مجلس مقتول شده یقین دارم کمیسیون بودجه بیشتر از ما موافقت داشته باشد حالا بین این دو نظر را هر کدام آقایان تعیین می کنند بنده قبول می کنم

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد

آقای آقا سید فاضل (اجازه)
 آقا سید فاضل - پیشنهاد است نهواستیم بیست سال باشد ...

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد

آقای آقا سید فاضل (اجازه)
 آقا سید فاضل - پیشنهاد است نهواستیم بیست سال باشد ...

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد

آقای آقا سید فاضل (اجازه)
 آقا سید فاضل - پیشنهاد است نهواستیم بیست سال باشد ...

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد

آقای آقا سید فاضل (اجازه)
 آقا سید فاضل - پیشنهاد است نهواستیم بیست سال باشد ...

آقای آقا سید فاضل (اجازه)
 آقا سید فاضل - پیشنهاد است نهواستیم بیست سال باشد ...

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد

آقای آقا سید فاضل (اجازه)
 آقا سید فاضل - پیشنهاد است نهواستیم بیست سال باشد ...

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد

آقای آقا سید فاضل (اجازه)
 آقا سید فاضل - پیشنهاد است نهواستیم بیست سال باشد ...

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد

آقای آقا سید فاضل (اجازه)
 آقا سید فاضل - پیشنهاد است نهواستیم بیست سال باشد ...

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد

آقای آقا سید فاضل (اجازه)
 آقا سید فاضل - پیشنهاد است نهواستیم بیست سال باشد ...

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد

آقای آقا سید فاضل (اجازه)
 آقا سید فاضل - پیشنهاد است نهواستیم بیست سال باشد ...

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد

که بر می گردد بکمیسیون دو قلم هر یک به نایب حسین کاشانی چهل و پنج تومان بدهد .
 یک ده تومان هم از بابت تفاوت خانم ابتهاج السلطنه مجرم و ماهه ۱۰۰۰ می شود .

رئیس - رأی بگیریم بدویست و پنجاه تومان از وزارت علوم و سه تومان و یکقران آقایانی که تصویب می کنند ورفه سقیدوالا و رقه کبود خوانند (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده آقایان وزراء هم باید فردا تشریف بیاورند به ترتیب ذیل حاصل شد عده حضار)
 (ابواب بنده را بدهند مخصوصاً راجع و رقه سفیده هلاکت قبول ۶۶ و رقه کبود برای شهریار و ساوج - بلاغ هر روز رد ۴ امتناع)

رئیس - عده حضار ۷۳ با کراجه اداره ارزاق دارم که باید آقای ۶۶ رأی تصویب شد . آقای نظام الزبیر مالیه جواب بدهند اگر حاضرند اجازه خواسته اند راجع بنفث شمال اظهار حالا جواب بدهند و اگر حاضر نیستند فردا بکنند قبلاً بفرمائید از کمیسیون شوال داری تشریف بیاورند .
 نظام الدوله - بنده بنده دو ماه قبل رئیس - آقایان وزراء اطلاع می بدهند راجع بنفث شمال کردیم حالا خواهیم فردا که روز مسائل متفرقه است و بیستم آن پیشنهاد مطرح شده است با و االات است تشریف بیاورند .
 رئیس - شوال بفرمائید
 آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
 نظام الدوله - ده ماه قبل شوال

نوشتم و تقدیم مقام ریاست کردم و در راجع بکمیسیون انتخابات مذاکره شد بمسئله تشکیل شده بود بدست بنده و با و استم عرض کنم که کمیسیون انتخابات خواستم بیستم آن پیشنهادی که بنده کردم اولش تمام شده و یک قسمت دیگر که مطرح شده است یا نه ؟
 راجع بمسئله حوزه بندی است باقی مانده ارباب کبخترو - راجع به چون می خواستم بنظر آقایان برسد آن اجاب کردم و خدمت آقایان فرستاده شده بوده است ؟
 نظام الدوله - عقیده بنده این بود هنوز کسی مبادرت بجواب نکرده باز هم اگر در تمام امورات در ایران متعرض می کنم خوب است آنها می که علاقه باشد در امور نفت و این امتیاز یک بلندند قانون انتخابات زود تر بگذرد متخصص در ایران نیست و اگر بخواهند بکمیسیون تشریف بیاورند و عقایدشان را نظامنامه تدوین کنند و یک قرارداد مخصوص حوزه انتخابیه بفرمایند و الا هائی با کمیانی های خارجه بگرفته دیگر بدون حضور آنها نظریات چون در تحت نظر متخصص نیست مگر در مان را بعرض مجلس می رسانیم .
 است در آتیه باشکالاتی بر بعوریم بنده رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)
 حائری زاده - بنده عرض دیگری

رئیس - کمیسیون مبتکرات با و از این که آقای آقا سید یعقوب فرمودند حاج میرزا مرتضی مخبر کمیسیون آقایان وزراء است و برای جواب سؤالات مبتکرات چنین پیشنهادی بکمیسیون مبتکرات بفرمائید تشریف بیاورند .
 نیامده که مطرح شود .
 رئیس - پیشنهاد آقای نظام الدوله شد .
 باید برود بکمیسیون که جدیداً انتخاب شده . جلسه آتیه فردا ۳ ساعت و نیم از ظهر دستور اولاً قرائت راپورت کمیسیون راپورت کمیسیون مستمریات .
 محمد هاشم میرزا - اگر اجازه بفرمائید راجع بکمیسیون انتخاب عرض دارم .

رئیس - قبلاً باید معلوم شد دستور را تصویب می کنید یا نه ؟ بدست آقای موتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم چهارشنبه چهارم اظهاری نیست ؟
 حائری زاده - خوب است سؤالات را آقای امیر ناصر قرائت نمودند هم جزو دستور شود و آقایان وزراء تذکر داده شود که برای جواب حائری زاده نیست ؟

جلسه ۱۴۳ صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه پنجم میزان ۱۳۰۱ مطابق ششم صفر الخیر هزار و سیصد و چهل و یک

رئیس - مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست دستور را تصویب می کنید یا نه ؟ بدست آقای موتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم چهارشنبه چهارم اظهاری نیست ؟
 حائری زاده - خوب است سؤالات را آقای امیر ناصر قرائت نمودند هم جزو دستور شود و آقایان وزراء تذکر داده شود که برای جواب حائری زاده نیست ؟

رئیس - مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست دستور را تصویب می کنید یا نه ؟ بدست آقای موتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم چهارشنبه چهارم اظهاری نیست ؟
 حائری زاده - خوب است سؤالات را آقای امیر ناصر قرائت نمودند هم جزو دستور شود و آقایان وزراء تذکر داده شود که برای جواب حائری زاده نیست ؟

رئیس - مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست دستور را تصویب می کنید یا نه ؟ بدست آقای موتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم چهارشنبه چهارم اظهاری نیست ؟
 حائری زاده - خوب است سؤالات را آقای امیر ناصر قرائت نمودند هم جزو دستور شود و آقایان وزراء تذکر داده شود که برای جواب حائری زاده نیست ؟

رئیس - مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست دستور را تصویب می کنید یا نه ؟ بدست آقای موتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم چهارشنبه چهارم اظهاری نیست ؟
 حائری زاده - خوب است سؤالات را آقای امیر ناصر قرائت نمودند هم جزو دستور شود و آقایان وزراء تذکر داده شود که برای جواب حائری زاده نیست ؟

رئیس - مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست دستور را تصویب می کنید یا نه ؟ بدست آقای موتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم چهارشنبه چهارم اظهاری نیست ؟
 حائری زاده - خوب است سؤالات را آقای امیر ناصر قرائت نمودند هم جزو دستور شود و آقایان وزراء تذکر داده شود که برای جواب حائری زاده نیست ؟